**به نام خدا**

****

**دانشکدۀ ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی**

**دانشگاه علّامه طباطبائی**

تاریخ تحویل به گروه

تاریخ تصویب درگروه

تاریخ تحویل به تحصیلات تکمیلی

تاریخ تصویب درشورای

تحصیلات تکمیلی دانشکده

**درخواست تصویب پیشنهاد تحقیق پایان‌نامه**

کارشناسی ارشد دکترا

گروه: زبان و ادبیات فارسی رشته: زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان‌نامه به فارسی:

**تحلیل سیمای انسان ایرانی در گزیدۀ اشعار مهدی اخوان ثالث**

عنوان پایان‌نامه به انگلیسی:

استاد راهنما: نام خانوادگی: نام:

استاد مشاور: نام خانوادگی: نام:

استاد مشاور: نام خانوادگی: نام:

نام خانوادگی و نام دانشجو:

**عنوان نهایی مصوب در شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده در صورت تغییر:**

**1. مشخصات دانشجو:**

نام خانوادگی: نام: انیس شمارۀ دانشجویی:

گروه: زبان و ابیات فارسی رشتۀ تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

مقطع تحصیلی: دکترا کارشناسی ارشد

سال ورود: 1402 نیمسال اول نیمسال دوم

آدرسی برای تماس سریع:

تلفن تماس: آدرس پست الکترونیک:

**2. مشخصات استاد راهنما:**

نام خانوادگی: نام: دانشکده: ادبیات فارسی و زبان­های خارجی

دانشگاه: علامه طباطبائی شماره تلفن تماس: مرتبۀ دانشگاهی: پایه:

تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دست راهنمایی:

تعداد پایان‌نامه‌های دکتری در دست راهنمایی:

**3. مشخصات استادان مشاور:**

3-1. نام خانوادگی: نام: مرتبۀ دانشگاهی: پایه:

محل خدمت: تلفن تماس: آدرس پست الکترونیک:

3-2. نام خانوادگی: نام: مرتبۀ دانشگاهی: پایه:

محل خدمت: تلفن تماس: آدرس پست الکترونیک:

**مشخصات تحقیق**

**4. عنوان تحقیق:**

**سیمای انسان ایرانی در اشعار مهدی اخوان ثالث**

**5. نوع تحقیق:** بنیادی کاربردی ترویجی ارزیابی

**6. بیان مسأله**

از گذشته تا کنون در اشعار شاعران مختلف می­توان جهان­بینی و تصور آن­ها را از آن­چه در طی سال­های متمادی در ذهن آنان شکل گرفته، مشاهده نمود. این مشاهده با بررسی عمیق و تحلیل مؤلفه­های گوناگون در اشعار شاعران میسر می­شود.

در ادبیات ایران، مهدی اخوان ثالث (م. امید، 1307ـ 1369) یکی از شاعران متعهد معاصر است که نمود این تعهد اجتماعی در بسیاری از اشعار او به روشنی قابل مشاهده است. این شاعر خراسانی، همواره به جامعه و زندگی مردم و مشکلات آنان توجه ویژه داشته است. در پی رخداد کودتای 28 مرداد 1332 که بر افکار و عمق احساسات عمومی ایرانیان تأثیر گذاشت و درون­مایه­ای از احساسات نومیدانه و سرخوردگی را به دنبال داشت، ظلم­ستیزی و آزادی­خواهی به صورت یکی از دغدغه­های اصلی اخوان در سروده­هایش نمود یافت.(مجتبی عطارزاده-۹/۱۰/۹۶).

﻿ با مطالعه بسیار گذرای شعر فارسی و دلایل روی آوردن شاعران ایرانی به شعر نو ملاحظه می­شود که مقوله­های آزادی و وطن و مشکلاتی که در آن روزگار بر کشور ایران حاکم بود، یکی از مهم­ترین و مؤثرترین گام­ها برای ورود به عرصۀ شعر نو قلمداد می­شد. روشنفکران، آزادی­خواهان، مبارزان و تجددطلبان ابعاد گوناگون هویت ملی را براساس موقعیت و تفکر خود درک می­کردند و در سخنرانی­های خود که سهم زیادی در بیداری ایرانیان داشت، بیان می­نمودند. از زمانی که نیما یوشیج شعر نو را ﻿به صورت بنیادی پایه­گذاری نمود تا روزگار ما جریان­های شعری متعددی در ادب پارسی به وجود آمد که هر یک سهمی در بیان ابعادی از هویت ملی ایرانی داشت (یوسف عالی عباس آباد۲۲/۹/۱۳۸۸).

انسان ایرانی بیش از هر زمان دیگری، نیازمند گشودن چشم خود و شناخت آینده و ساختن آن است. این انسان، با این­که چندبار در همین قرن بیستم- به قول اخوان ثالث در آخر «آخر شاهنامه»)- چشم بگشوده و گفته «آنک طرفه­قصر زرنگار صبح شیرین­کار»؛ یعنی با سادگی و خوش­خیالی گمان کرده فردا به بهشت برین و جامعۀ برترین با هر تعریفی از این­ها) خواهد رسید، هنوز در خم کوچۀ تدبیر جامعه گرفتار آمده است، غافل از آن­که «آینده همان ساختن است» (محمدرضا تاجیک بهار ۱۳۸۵).

با وجود پژوهش‌های متعددی که دربارۀ شعر اخوان ثالث انجام شده، تحلیل جامعی از سیمای انسان ایرانی در تمامیت آثار او، به‌ویژه با تأکید بر ویژگی‌های عام انسانی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی صورت نگرفته است.

در این پژوهش قصد داریم با بررسی دقیق و نظام‌مند اشعار اخوان، به این خلاء پژوهشی پاسخ دهیم و تصویری روشن از انسان ایرانی در شعر این شاعر برجسته ارائه کنیم.

**7. اهمیت و ضرورت موضوع**

شعر فارسی همواره آینه‌ای از رنج‌ها، آرمان‌ها، روح، اندیشه و هویت انسان ایرانی بوده است. در این میان، مهدی اخوان‌ثالث (م. امید) یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر، با بهره‌گیری از عناصر سنتی و نوگرایانه، تصویری عمیق و چندلایه از انسان ایرانی ارائه می‌دهد؛ انسانی که در دل تاریخ، اسطوره، شکست‌ها، امیدها و تحولات اجتماعی و سیاسی سدۀ اخیر شکل گرفته است.

تحلیل سیمای انسان ایرانی در اشعار اخوان ‌ثالث، نه‌تنها به فهم دقیق‌تر اندیشه و سبک شعری او کمک می‌کند، می‌تواند بازتابی از وضعیت روانی، اجتماعی و فرهنگی جامعۀ ایران در دهه‌های حساس معاصر نیز باشد. اخوان با استفاده از زبان کهن، فضای اسطوره‌ای و مضامین سیاسی‌ـ‌ اجتماعی، تصویری خاص از انسان گرفتار در سرنوشت تاریخی و فردی ترسیم می‌کند.

با توجه به کمبود پژوهش‌های نظام‌مند در زمینۀ بازنمایی انسان ایرانی در شعر اخوان ثالث، این تحقیق می‌تواند خلأیی را در مطالعات انسان شناسی در ادبیات پر کند. نیز، نتایج آن می‌تواند برای پژوهشگران حوزه‌های ادبیات معاصر، مطالعات هویتی و علاقه‌مندان به پیوند ادبیات و جامعه، سودمند باشد.

**8. گزاره‌های تحقیق**

**8-1. پرسش‌ اصلی**

8-1-1. سیمای انسان ایرانی در اشعار مهدی اخوان ثالث چگونه بازنمایی شده است و چه مؤلفه‌هایی این بازنمایی را شکل داده‌اند؟

8-1-2. مهم‌ترین ویژگی‌های ، اجتماعی، فرهنگی و هویتی انسان ایرانی در اشعار اخوان ثالث چیست؟

8-1-3. اخوان ثالث از چه عناصر ادبی، تکنیک‌های بیانی و نمادپردازی‌هایی برای ترسیم این سیما بهره می‌گیرد؟

8-1-4. چه تأثیراتی از بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران معاصر در بازنمایی سیمای انسان ایرانی در اشعار اخوان ثالث دیده می‌شود؟

**8-2. فرضیه‌های تحقیق**

8-2-1. به نظر می‌رسد سیمای انسان ایرانی در اشعار مهدی اخوان ثالث، ترکیبی از وجوه متضادی چون امید و ناامیدی، حماسه و تراژدی، سنت و تجدد، عدالت‌خواهی و مبارزه، تعلق و بیگانگی، و تنهایی و انزوا است.

8-2-2. به نظر می­رسد اخوان ثالث در بازنمایی این سیمای چندوجهی، از ابزارهایی چون اسطوره‌سازی، نمادپردازی، شخصیت‌پردازی، زبان کهن و عامیانه، و توصیف‌های بیرونی و درونی بهره می‌گیرد.

8-2-3.  به نظر می‌رسد وضعیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی معاصر، از جمله کودتای ۲۸ مرداد، فضای اختناق و سرکوب، و تحولات اجتماعی قرن بیستم، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری این تصویر از انسان ایرانی در شعر اخوان داشته‌اند.

**8-3. هدف‌های تحقیق یا نتایج مورد انتظار**

8-3-1. ارائۀ تصویری جامع و دقیق و تحلیلی از سیمای انسان ایرانی در شعر اخوان ثالث.

8-3-2. شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی، روانی، فرهنگی و تاریخی مؤثر در شکل‌گیری این تصویر

8-3-3. فراهم­سازی درک عمیق‌تر از هویت، تاریخ و فرهنگ ایران معاصردر اشعار مهدی اخوان‌ثالث.

8-3-4. بازخوانی و تفسیر نو از اشعار اخوان ثالث بر مبنای مفاهیم هویت، تاریخ، و جامعه

8-3-5. ارائۀ زمینه‌ای پژوهشی برای مطالعات بین ‌رشته‌ای در حوزه‌های ادبیات معاصر، جامعه‌شناسی ادبیات، و نقد فرهنگی

**9. روش کلی تحقیق**

روش پژوهش به صورت تلفیقی(بنیادی-کاربردی) است که به شیوۀ توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است.

**9-1. قلمرو مکانی- جامعۀ تحقیق**

جامعه تحقیق شامل آثار زیر است:

ارغنون، زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می گوید :اما باز باید زیست... دوزخ، اما سرد، ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، منظومۀ بلند سواحلی و خوزیات، سال دیگر، ای دوست، ای همسایه...

**9-2. قلمرو زمانی تحقیق**

به طور کلی آثار بررسی شده از سال ۱۳۳۰تا۱۳۹۳انتشار یافته­اند:

ارغنون ۱۳۳۰

زمستان ۱۳۳۵

آخر شاهنامه ۱۳۳۸

از این اوستا ۱۳۴۴

در حیاط کوچک پاییز در زندان ۱۳۵۷

زندگی می­گوید: اما باز باید زیست... ۱۳۵۷

دوزخ، اما سرد ۱۳۵۷

ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم ۱۳۶۸

منظومۀ بلند سواحلی و خوزنات ۱۳۸۱

سال دیگر، ای دوست، ای همسایه ۱۳۹۳

**9-3. روش نمونه‌گیری و تخمین حجم جامعه**

روش نمونه­گیری هدفمند و حجم جامعه مطابق ساختار و موضوع پژوهش و الگوی انتخابی پژوهشگر خواهد بود.

**9-4. روش‌های گردآوری داده‌ها و ابزار مورد استفاده برای آن**

۱. مطالعۀ منابع مرتبط با پژوهش­های توصیفی در اشعار

۲. استخراج شاخصه­ها برای بررسی سیمای انسان ایرانی در اشعار مهدی اخوان ثالث

۳. انتخاب آثار م. امید برای تحلیل داده­ها در آن­

۴. تحلیل محتوا و شناسایی عناصر سیمای انسان ایرانی در اشعار م. امید

۵. تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی عصر او و تأثیر آن بر اشعار م. امید

۶. بازخوانی اشعار اخوان ثالث با دیدگاه شاخصه­های مختلف انسان ایرانی

۷. جمع­آوری و طبقه­بندی کل داده­ها و ارائۀ مطالب

**9-5. روش‌های تحلیل داده‌ها**

با مطالعۀ کلی آثار مهدی اخوان ثالث و مرور پژوهش‌های توصیفی در اشعار شاعران دیگر، شاخصه‌های مورد نظر را استخراج کرده سپس شاخصه­ها و مؤلفه‌ها را در آثار او بررسی می‌کنیم و با بهره‌گیری از تحلیل‌های خود مخاطب را اقناع کرده و با نتایجی که هدف پژوهش است، همسو می‌کنیم.

**10. موانع و محدودیت‌های تحقیق**

10-1. سیمای انسان ایرانی یک مفهوم گسترده و چند بعدی است که می‌تواند به روش‌های مختلفی تحلیل شود به همین سبب تعیین شاخصه­ها و مؤلفه‌های دقیق برای استخراج ویژگی‌های سیمای انسان ایرانی در اشعار مهدی اخوان ثالث دشوار است .

10-2. پژوهشی در این زمینه، چه در آثار این شاعر، چه در شعر شاعران دیگر انجام نشده است و این باعث دشواری در پیدا کردن منابع مرتبط می­شود.

**11. چارچوب کلان نظری تحقیق**

**11-1. مفهوم سیما در مطالعات ادبی**

﻿با توجه به اهمیت جایگاه سیما در حوزه­های ادبی، عرفانی و به ویژه معماری ضروری به نظر می­رسد که در ابتدا به بررسی معنای این واژه پرداخته شود؛ در لغت­نامۀ دهخدا، فرهنگ فارسی هوشیار و فرهنگ پهلوی، سیما به عنوان نشان و علامتی که بدان خیر و شر شناخته شود یا قیافه، چهره و صورت معنا شده است. فرهنگ معین نیز سیما را چهره و قیافه معرفی می کند. آنندراج از سیما با عنوان صورت و روی یاد می­کند و ناظم الاطبا رخسار و وجه را هم­معنای واژۀ سیما می­داند. در لغت­نامۀ آبادیس مترادف سیما صورت و نشان آمده و برابر پارسی آن چهره، رخسار، نشانه و نما است و معنای آن صورت و حالتی در صورت انسان که مبین حالات درونی باشد، بیان شده است. معادل واژۀ سیما در فرهنگ لغات عام به انگلیسی countenance, appearance, aspect, face image آمده است (تارنمای دیکشنری آبادیس در فرهنگ لغات لاتین تخصصی)-collinsdictionary, cambridge, oxford, merriam webster) معادل واژۀ سیما cityscapes معنای تصویر یک شهر، منظرۀ یک شهر و نمایش هنرمندانه از یک شهر آمده است؛ بنابراین با توجه به مفاهیم ذکر شده (جدول (۱) می­توان به منظور تحقیقات گسترده در زمینۀ سیما از کلیدواژه­هایی چون صورت و ظاهر نیز استفاده کرد (مژگان اسماعیلی۲/۲/۹۹).

در مطالعات ادبی، «سیما» به معنای تصویر یا چهرۀ بیرونی و درونی یک شخصیت در اثر ادبی است که نویسنده یا شاعر با استفاده از زبان، توصیف و تصویرسازی، آن را به مخاطب ارائه می‌دهد. این تصویر می‌تواند شامل ویژگی‌های ظاهری مانند رنگ چشم، نوع پوشش، حالت چهره، نیز ویژگی‌های روانی مثل خلق و خو، طرز فکر و احساسات باشد.

- شخصیت‌پردازی: سیما یکی از مهم‌ترین ابزارهای شخصیت‌پردازی است. از طریق توصیف سیما، خواننده می‌تواند با شخصیت‌ها ارتباط عاطفی برقرار کند و آن‌ها را در ذهن خود به صورت زنده تجسم کند. مثلاً وقتی در داستان یک شخصیت با چشمان پر از اشک و لبخندی تلخ توصیف می‌شود، این تصویر کمک می‌کند عمق احساسات و وضعیت روحی آن شخصیت بهتر درک شود.

- نمادسازی و کنایه: گاهی سیما فراتر از یک تصویر صرف ظاهر می‌رود و تبدیل به نماد یا نشانه‌ای از ویژگی‌های خاص یا موضوعات گسترده‌تر می‌شود. مثلاً چهرۀ زنی با موی سفید در ادبیات ممکن است نماد خرد، تجربه یا گذر زمان باشد.

- تقویت فضای اثر: توصیف سیما به ایجاد فضای داستان یا شعر کمک می‌کند. اگر فضای اثر غم‌انگیز باشد، سیماهای ترسیم شده معمولاً با ویژگی‌های خاصی همخوانی دارند که این فضا را تقویت می‌کند.

- شناخت فرهنگی و تاریخی: سیماهای ادبی معمولاً بازتابی از معیارهای زیبایی، اخلاق یا ارزش‌های فرهنگی آن زمان و مکان هستند. مثلاً توصیف سیما در ادبیات کلاسیک فارسی ممکن است با معیارهای زیبایی در فرهنگ ایرانی آن دوره همخوانی داشته باشد (اقتباس از عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «نقد ادبی» (چاپ اول ۱۳۶۵).

**11-2. زندگی مهدی اخوان ثالث و دوران شاعری:**

اخوان ثالث در مشهد به سال ۱۳۰۷ متولد شد. به طوری که خودش می­گفت، گویا در اواخر ۱۳۰۶ متولد شده بود و شناسنامه­اش را ۱۳۰۷ گرفته بودند. این نکته را دو بار از او شنیدم. تحصیلات ابتدایی را در همان شهر تمام کرد و سپس به جای دبیرستان به هنرستان مشهد رفت و در رشتۀ آهنگری دانش­آموخته شد. گویا آن وقت­ها در کلاس یازده دیپلم می­داده­اند به دانش­آموختگان هنرستان، و این­که می­گوید: پینه دستم گواهی می­دهد کز اهل کارم

در ارغنون، چاپ اول منظورش همین پیشۀ آهنگری است. بعد از پایان هنرستان برای این­که بتواند وارد دانشگاه شود، او باید کلاس دوازده را امتحان می­داد؛ ولی به طوری که از محمد قهرمان و خودش نیز شنیدم، آن­ها با هم در امتحان کلاس دوازده شرکت می­کنند و اخوان که هیچ از فیزیک و شیمی و ریاضیات سرش در نمی­آمده است، اصلاً نمره نمی­آورد و در پایان ورقة امتحان بعد از نوشتن مقداری مطالب غیر مربوط به سؤال، این بیت را می­نویسد که همیشه آن را می­خواند و ما می­خندیدیم که:

برای یکی نمرۀ بی­فروغ

نشاید از این بیش گفتن دروغ

و چون هیچ نمره­ای نمی­گیرد رد می­شود؛ اما محمد قهرمان که بعدها به دانشکدۀ حقوق رفت، فرمول­های شیمی را به سبک نصاب­الصبیان منظوم کرده بوده است، به زحمت نمرۀ ۲۵ یا چیزی در این حدود، که کمی از صفر بیشتر است می­گیرد. او دیپلم می­شود و اخوان همچنان محروم از دیپلم می­ماند تا آخر عمر.

**- ازدواج و کودتا**

در سال ۱۳۲۹، اخوان به مشهد آمد تا با دختر عمویش «ایران» ازدواج کند. قدر مسلم این است که او در قضایای ۲۸ مرداد ۳۲ در مشهد بوده است. به طوری که از یدالله قرائی و شاید هم خودش، در این لحظه تردید دارم که این مطلب را از خودش شنیده­ام یا نه؟ شنیدم وقتی وقایع کودتا را در مشهد برای او تعریف می­کنند، به هیچ وجه حاضر نمی­شود قبول کند می­گوید باید بروم در خیابان به چشم خودم ببینم وقتی به همراهی یکی از دوستانش به خیابان ارگ مشهد که مرکز اصلی شهر و تظاهرات بوده می­رود، می­خواهد که علیه کودتاچیان به شعار بپردازد که او را به زور به خانه می­آورند. باز هم همیشه می­گفته است این کار کودتا به جایی نخواهد رسید و به زودی خیابان­های تهران سنگربندی خواهد شد و تهران استالینگراد کمی بعد از کودتا مجدداً به تهران می­آید؛ ولی هنوز شبکۀ حزب توده به ظاهر لو نرفته بوده است. در یکی از قرارهای حزبی در خانه­ای که به ظاهر رفقا قرار بوده است هم را ببینند ولی دامی بوده برای دستگیری آن­ها گرفتار می­شود (حالات و مقامات م.امید شفیعی کدکنی).

**- از موسیقی به شعر**

اخوان هم مثل تو، و شاید مثل همه شعرا از طریق موسیقی به شعر رسیده بود. یعنی می­گفت اول کار دنبال موسیقی بودم و نهان از پدر سازی می­زدم و تمرین می­کردم. پدرم بعد از این­که آگاهی یافت که من در خط موسیقی هستم- با این­که خودش از دوستداران موسیقی بود- کوشید که مرا از شر این کار و سرنوشت بدِ اهل موسیقی برحذر دارد. یک بار بدون این­که من اطلاع داشته باشم، یکی از نوازندگان معروف شهر مشهد را دعوت کرد و ضمن شنیدن هنرنمایی­های او به من فهماند که ببین این است عاقبت این کار؛ ولی در عوض وقتی جرقه­هایی از شعر و شاعری را در کار من دید، به تشویقم برخاست و به کتاب­فروشی باستان سفارش کرد که مهدی هر ماه فلان مبلغ کتاب بیاید و بگیرد و حسابش را خودش یعنی پدرم خواهد پرداخت (حالات و مقامات م .امید/ص۲۵).

**- آموزگاران او در شعر**

اخوان یک بار نوشته بود که من شاگرد همۀ کسانی هستم که استادند.» ولی در شعر مدرن خود را تنها شاگرد نیما می­شمرد. بهترین دفاع از این استاد را هم او بود که تعهد کرد. در این لحظه نظرم به استادانی است که او در خراسان و در روزگار نوجوانی­اش داشته است. در انجمن ادبی خراسان و منزلِ فرّخ جمع کثیری از شاعران پیشکسوت سال­های بعد از شهریور ۱۳۲۰ بوده­اند و اخوان با اغلب ایشان حشر و نشر ادبی داشته است. به علم اجمالی می­توان گفت که بیشترینۀ ایشان در پرورش ذوق و هنر او نقش داشته­اند؛ ولی از آن میان خودش به مرحوم گلشن آزادی(مدیر روزنامۀ آزادی) و نوید (ابوالقاسم حبیب­اللهی، نوۀ حاج میرزا حبیب خراسانی، شاعر بزرگ عصر) و از همه بیشتر به میرزا رضا خان عقيلي استرآبادی اشارت می­کرد و به شعر این شاعر بیش از دیگران اعتقاد داشت؛ زیرا شاعری بوده که ضمن تسلط بر اسالیب شعر فارسی کهن، دارای نوعی عقاید اجتماعی و سیاسی هم بوده است- مترقی و ضد فاشیسم. البته استاد فرّخ خراسانی هم در تشویق و پرورش ذوق اخوان نقش بسیار داشته است. گذشته از این که منزلِ فرخ دیدارگاه اخوان با این جمع شاعران و استادان بوده است (همان: ۵۲).

**﻿- بهترین سال­های شاعری**

بهترین دوران شاعری اخوان از اواخر زمستان آغاز می­شود؛ از حدود ۱۳۳۳ و به نظرم تا حدود ۱۳۴۵. غالباً اکثریت با نوادر شعرهای اوست؛ ولی بعد از این تاریخ که گمانم) دستهای خان امیر» یکی از همان نوادر شعرهاست، به تدریج نوع شعرها عوض می­شود و «ایجاز» جای خود را به نوعی اطناب می­دهد. در کار اخوان هر چه به سال­های اخیر نزدیک­تر می­شویم غلبه با شعرهای سنتی است؛ اگرچه او هیچ­گاه رابطۀ خود را با شعر سنتی قطع نکرد. در همان ایامی که «آنگاه پس از تندر» و «نماز» و «سبز» را می­گفت، اگر به مجموعه­های شعرش نگاه کنید، در همان تاریخ­ها، مقداری غزل و قصیده و رباعی هم در کنار آن شعرهای شگفت­آور می­توانید بیابید.

در شعر کلاسیک اخوان اگر قالب را ملاک قرار دهیم، بهترین شعرها قصیده است؛ یعنی می­توان او را یکی از دو سه قصیده­سرای بزرگ عصر حاضر به شمار آورد؛ ولی در حوزۀ غزل با این که غزل­های بسیاری سروده است- شاید به دلیل توجه بیش از حدی که استعدادهای خوب دیگر به آن نشان داده­اند- او در ردیف اول غزل­سرایان قرار نگیرد؛ با این­همه او در تمام قوالب شعر کهن استاد بود و نمونه­های خوب و برجسته از هرکدام دارد (همان: ۶۲).

**11-3. زمینۀ اجتماعی- تاریخی اشعار م. امید:**

**- مضامین اجتماعی**

«اخوان یکی از بزرگترین شاعران سمبولیسم اجتماعی است که در قالب زبان نمادین و رمزی اشعار خود را آیینۀ تمام­نمای مسائل اجتماعی و سیاسی وطنش قرار داد، او شاعری است در خدمت اجتماع و هدفش بیان مشکلات کلی جامعۀ ﻿ایران و مسائل اجتماعی است که با استفاده از زبان رمز به ترسیم فضای جامعۀ خود می پردازد. طرح مسائلی چون آرزوهای تحقق نیافتۀ مردم و آزادی و وصف معایبی چون فقر و جهل و ظلم و ستم که دامن­گیر هم­وطنانش شده است درونمایه و چهارچوب اصلی اشعار او را تشکیل می­دهد و گاهی از سر ملاحظه به جهت شرایط حاکم بر جامعه و خفقان آن با بیان نمادین به نقد اوضاع اجتماع و مردمانش می­پردازد و با استفاده از طنزی گزنده و تلخ که جنبۀ آگاه­سازی آن بر خنده­آوری برتری و ارجحیت دارد به بیان ناهنجاری­های جامعۀ بی­روح و استبدادزدۀ خود می­پردازد» (شکری، ۱:۱۳۹۵).

داغ پیشانی ویترین نماز

احتکار و دغل و دوز و کلک

عرق و نشئه، چه رسم است و چه راز مانده حیران ز تو شیطان و ملک

می­کشد با درد از اعماق جگر فریاد از مسلمان بر مسلمان این بد و بیداد

(ج۱۶۳۳/۲)

کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند که ره تاریک و لغزان است (میهن زنده دل پاییز ۹۹)

هویت اجتماعی به آن بعد از هویت ملی گفته می­شود که جامعه و عوامل تعیین کنندۀ هویت آن را مشخص می­کند؛ یعنی ویژگی­هایی که دیگران به فرد نسبت می­دهند. این ویژگی­ها را می­توان نشانه­هایی تلقی نمود که نشان می­دهند هر شخص معینی اساساً کیست؛ و در عین حال او را به افراد دیگری مربوط می­کند که همین خصوصیات و کیفیات را دارند (گیدنز، 1386: ٤٥ و ٤٦). عوامل پدید آورندۀ هویت اجتماعی بسیار متنوع است و هر کسی بر اساس ماهیت خود در جامعه و دیدگاهی که بدان دارد، مسائلی را طرح می­کند و بدین ترتیب مبانی هویت اجتماعی خود را آشکار می­سازد.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در شعر اخوان ثالث یکی از بد­ترین و وحشتناک­ترین حوادث اجتماعی ایران در دورۀ معاصر است. این واقعه در نوع خود، اولین کودتایی بود که با مداخلۀ مستقیم و آشکار دو دولت خارجی به منظور سرنگون کردن دولتی ملی، با همکاری محمدرضا پهلوی و به دست بی­حمیت­ترین افراد ایرانی که در واقع مزدور بیگانگان بودند، صورت گرفت. هدف اصلی از این کار، سرکوب کردن نهضت ملی ایران و جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت بود (نجاتی: ١٣٦٥؛ مگی: ۱۳۷۸؛ گازیورسکی: ١٣٨٤). این اتفاق شکست سنگینی به روح اخوان ثالث وارد کرد و در شعر او تصویرهای شعری متعددی را به خود اختصاص داد. پس از کودتا اخوان ثالث و جوانان سیاسی آن روزها باور کردند که رسیدن به رهایی و آزادی به آسانی میسر نخواهد شد؛ از این رو اخوان ثالث به عنوان سخنگو و سر سلسله­جنبان شعر نیمایی فریادی از ناامیدی سر داد (آودیسیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲) که به چند نمونه از آن­ها اشاره می­شود:

چتر پولادین این تصویر استعاره از خود را تحت حمایت یک کشور خارجی قرار دادن است و به فرار یا مهاجرت عده­ای از روشنفکران ایرانی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اشاره می­کند

آنکه در خونش طلا بود و شرف

شانه­ای بالا تکاند و جام زد

چتر پولادینناپیدا به دست

رو به ساحل­های دیگر گام زد (اخوان، ۱۳۸۵ الف: ٢٥).

در شعر مذکور، در خونش طلا بود و شرف، استعاره از گروهی از مبارزان است که از کشور گریختند و به شوروی پناهنده شدند (یوسف عالی عباس آباد۲۹/۹/۸۸).

هویت اجتماعی­ای که اخوان در شعر خود مطرح کرد، بر اساس تقسیم­بندی­های فرمالیته یا بنیادین هویت ملی به بعد سیاسی آن مربوط می­شود نه بعد اجتماعی یا هویت اجتماعی؛ ولی او این مؤلفه­ها و مبانی را در اجتماع کاویده و چندان به سیاست و فرهنگ کارگزاران سیاست مشغول نشده است؛ به عبارت دیگر، او بازتاب اعمال فرهنگ سیاسی را در جامعه کاویده و تأثیرهای ژرف آن را بر اجتماع آن روزگار بررسی و تحلیل کرده است؛ به همین سبب در این نوشته برای نشان دادن جایگاه دیدگاه شاعر دربارۀ هویت ملی، آن­ها را ذیل عنوان هویت اجتماعی جمع­بندی کرده­ایم. در این حوزه اخوان ثالث به تبیین وضع جامعه­ای که بر اثر تصمیم سیاست­مداران یا اعمال قدرت از جانب بیگانگان ویران شده و شکست­هایی که از این راه نصیب آنان شده، پرداخته است. با توجه به وقوع برخی حوادث در زندگی شخصی اخوان ثالث و بعضی اتفاقات در تاریخ معاصر ایران که شاعر با آن­ها آشنا و همزمان بوده، برخی وی را شاعر شکست نامیده­اند (دریابندری 1378: ۲۵۰-۲۱ و شفیعی کدکنی، 1370: ٦٢-9). این تعبیر به گونه­ای شامل بسیاری از ابعاد زندگی اخوان می­شود. او برای نشان دادن شکست و ناامیدی و خط بطلان کشیدن بر بسیاری از چیزهایی که مردم به منزلۀ واقعیت مطلق به آن­ها نگاه می­کردند، به اجتماع و تلخی­ها و شکست­های حاکم بر آن اشاره کرده است؛ به این سبب، اجتماعی که اخوان ثالث توصیف کرده با سیاست حاکم بر جامعه با ایران باستان و منش و طرز تلقی خودش از زندگی او، ارتباط مستقیمی پیدا کرده است. مبانی هویت اجتماعی در شعر اخوان را بدین صورت می­توان جمع­بندی کرد الف. در جامعۀ استبدادزدۀ ایران با سلطنت شاه و مداخلۀ بسیاری از گروه­های تندرو سیاسی بر اثر شکست­های سیاسی، گاهی تباهی به همگان تعمیم داده می­شود و شاعر، كل جامعۀ ایرانی را غرق سیاهی و نابودی می­یابد. این گونه تعمیم تباهی به همه ﻿کس و همه چیز و استثنا کردن یک ما و من معدود در تمام آثار بعدی وی نیز مشهود است. از همین راه کم­کم تعمیم مبارزۀ شکست­خورده به دوران شکست، و دوران شکست به دوران زندگی شکست و دوران زندگی شکست به کل جهان شکست آغاز می­گردد. اخوان این دیدگاه خود را با ارائۀ تصویرهایی که نشان دهندۀ ایران استبدادزده، خاموش و نفرت­بار است بیان کرده است. در شعر او استبداد حاکم بر جامعۀ ایرانی، پیوند تنگاتنگی با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دارد (همان).

**- سبک شعری م . امید**

اخوان در انواع شعر به لحاظ قالب تجربه داشت و در میان مشاهیر و بزرگان عصر اگر بخواهیم شاعری را مثال بیاوریم که از شعر منثور یا به تعبیر غلط رایج شعر سپید) گرفته تا شعر آزاد نیمایی و تا چهارپاره و غزل و قصیده و مثنوی و رباعی و مستزاد و مسمط و ترجیع و ترکیب همۀ میدان­ها را استادانه و با ارائۀ نمونه­های خوب آزموده باشد، جامع­تر از او کسی را نمی­شناسم. حتی به احیای نوعی از قالب شعر ایرانی کهن نیز توجه کرده بود و آن قالب «خسروانی» بود که در این قالب شعرهای دلپذیری دارد و الگوی کار خود را در این زمینه از تنها خسروانی بازمانده از باربد (شاعر خنیاگر عصر ساسانی) گرفته بود (حالات و مقامات .م. امید/۲۰۶).

﻿۱. با توجه به علاقه وافر شاعر به ادبیات کهن و باستان­گرایی وی، بسامد واژگان باستانی و الفاظ اسطوره­ای بیشتر از سایر واژگان بوده است.

﻿۲. واژگان عربی و ابیات ملمع، به­ندرت در اشعار او دیده می­شود و میل و علاقۀ ذاتی شاعر به سوی واژگان اصیل فارسی است و در مواردی که ناگزیر بوده، از کلمات عربی نیز استفاده کرده است.

۳. ترکیب­سازی­های بدیع و نو به­کرات در شعر اخوان ثالث به کار رفته که از فکر خلاق و اندیشۀ توانای شاعر نشئت می­گیرد.

۴. استفاده از زبان نمادین در اشعار «م. امید» همچون سایر شاعران معاصر، ناشی از عوامل سیاسی و اجتماعی و استبداد شدید حاکم بر فضای جامعه بوده که با آفرینش ابهام هنری، تأثیر در مخاطب را بیشتر نموده است.

۵. تأثیر سبک خراسانی بر اشعار اخوان، پدیدۀ انکارناپذیری است و بسیاری از مشخصه­های نحوی سبک خراسانی را به شکل برجسته و شاخص می­شود در اشعار او یافت.

۶. در بعضی اشعار، استفاده به­جا و زیبای اخوان از قالب طنز برای بیان واقعیت­های اجتماع نمود پیدا کرده است.

7. زبان اخوان لحن حماسی دارد. او وزن را در خدمت مضمون قرار داده و قالب­های حماسی و ضربی را برای بیان درد و رنج به کار برده که نوعی سنت­شکنی محسوب می­شود.

8. از صنایع بدیعی در شعر نو بهرۀ زیادی گرفته است و تلمیح، تکرار، ایهام، ایهام تناسب، جناس، تضاد و ... به وفور در مجموعه اشعارش یافت می­شود.

۹. کاربرد فراوان استعاره­های مکنیه و مصرحه نشان می­دهد که شاعر به ایجازگویی گرایش چندانی ندارد و تفصیل را که با روح حماسه هم سازگارتر است، بیشتر می­پسندد و تشبیهات زیبا و ناب او با بسامد بسیار بالایی، ملموس و عینی است.

١٠. مضامین عشق، اجتماع، مسائل سیاسی و اجتماعی به زیباترین شکل و با زبان نمادین در شعر اخوان به تصویر کشیده شده است (میهن زنده دل-پاییز ۹۹).

**11-4. هویت ایرانی**

﻿با سیر و پژوهش در شعر اخوان ثالث که محصول اوضاع و احوال دوره­های خاص سیاسی- اجتماعی و فرهنگی بوده است مشخص می­شود که اندیشیدن به جهان ایرانی و ایران بزرگ که در روزگاران پیش حوزۀ گسترده­تری داشته، در بعضی از اشعار او خودنمایی کرده است. می­توان با اندکی تسامح اسطوره­ها را از جملۀ این موارد برشمرد. پهلوانان ایرانی و کسانی که این پهلوانان با شکست دادن آنان ملیت، کشور و دیگر مبانی ملی ایران بزرگ آن دوره را حفظ کرده و اعتلا بخشیده یا از چنگ دشمنان رهانیده­اند، برخی به گونه­ای به جغرافیای فرهنگی ایران و در دامنۀ وسیع به جهان ایرانی مربوط است. در شعر اخوان به دلیل اوضاع اجتماعی- سیاسی، عصری که شاعر در آن زیسته و طعم تلخ شکست را چشیده، این مبانی در تبیین جغرافیای جهان ایرانی نقش چندانی ندارند؛ اما در مؤخرۀ *از این اوستا* که مانیفست شاعری او محسوب می­شود، سیری در شعر فارسی از دوران کهن فارسی دری تا عهد نیما یوشیج انجام داده و در قسمت­هایی به نقد و بررسی شعر فارسی اقدام کرده است علاوه بر این، او شعر فارسی را در خارج از مرزهای ایران و در کشورهای فارسی­زبان همسایه نقد و تحلیل کرده و از شاعران و نویسنگان فارسی­زبان خارج از ایران یادکرده است: گاهی چنان اندیشیده­ام که اصولاً مردم خارج از ایران امروز یا همسایۀ ما هستند و احیاناً اهل اقلیم و حریم ما و آشنا و متکلم به زبان فارسی مثل افغانستان و نیز نواحی تاجیکستان، ترکستان، ماوراءالنهر و خلاصه آن قسمت از خراسان قدیم که اکنون چندی است روس­های تزاری- من با شوروی­جماعت کاری ندارم- عدواناً غصب و تصرف کرده­اند با استفاده از غفلت و بی­رمقی و بی­غمی سلسلۀ قجر (اخوان ١٣٨٦ب: ١٦٦).

اخوان دربارۀ جغرافیای ایران قدیم و خراسان و سرزمین­هایی که شامل آن می­شد و شاعران فراوانی که متعلق به خراسان بزرگ و قدیم ایران بودند، بحثی کرده و با اعتراض به تقسیم­بندی­هایی که در جغرافیای ایران و در خراسان قدیم انجام گرفته، گفته است: خراسان دیگر مادون و ماورای نهر ندارد خراسان خراسان است (اخوان١٣٨٦ب: ١٦٨).

نظر اخوان در این زمینه عمدتاً مربوط به زبان و ادبیات ایران در مرزهای وسیع ماوراء­النهر، سغد، خوارزم، افغانستان، تاجیکستان، خراسان و دیگر جاهایی است که در آن­جا به زبان فارسی گفت­وگو می­شود. در این دیدگاه نیز، اخوان ثالث به ابعاد سیاسی- اجتماعی مسأله توجه خاصی نموده و سیاست­های داخلی و مداخله­های تجاوزکارانه خارجی و غارت ثروت ایرانیان را از دلایل جدایی مردم فارسی­زبان از یکدیگر و از میان بردن ملیت و اتحاد و آزادی آنان دانسته است. اهل طوس و نیشابور اگر بخواهند به سمرقند و بخارا بروند و همچنین و چنین این آزادی و آسودگی را ندارند که ندارند. نمی­توانند گرد هم آیند، بگویند، بشنوند، شعر بخوانند، بسرایند، دردهای حال و آینده را درمان کنند و نقالی کنند. نمی­توانند محفل کنند و بزم آرایند، شعر مولانا و خيام روایت کنند و بشنوند. نمی­توانند انجمن کنند و واقعاً از آن موهبت عالی یگانگی فرهنگی بهره ببرند و برسانند. البته برای حفظ آداب و اسالیب سیاست، تنها همین می­بینند که چند تن سیاست­باز ظاهرآرایی­ها کرده، از روابط عمیق و کهن و باستانی فرهنگی و سیاسی سخن می­رانند و تعارف و خوشامد رد و بدل می­کنند. الحق که برای اهالی ایرانیت این سخت دردناک است (اخوان ١٣٨٦ب: ١٧٤ و ١٧٥).

مبنای دیگر هویت اجتماعی در اشعار اخوان، زبان فارسی است زبان رکن اساسی هر فرهنگی را تشکیل می­دهد و در واقع فرهنگ بر زبان استوار است و دستاوردها و تجربه­ها و آفرینش­های هر نسل را به نسل­های بعدی انتقال می­دهد. تمام اجزای فرهنگ، از دین گرفته تا معماری و علوم و از خانواده و نظام سیاسی تا ارتش و امور مربوط به آن­ها، متکی به زبان است. اصولاً زبان گفتاری نوعی نمادسازی و قرارداد است که بر اساس آن به اصوات و ترکیبات آن­ها معنی می­دهد. جامعه­شناسانی مانند جان لاکان دربارۀ زبان و نقش آن در هویت ملی، مطالعه و نظریه­پردازی کرده­اند (تاجیک، ١٣٨٤: ٨٥ و ٨٦). ( یوسف عالی عباس آباد۲۹/۹/۸۸).

**12. نقشۀ راه**

در این پژوهش تصمیم داریم گزیدۀ آثار مهدی اخوان ثالث را با مؤلفه‌های سیمای انسان ایرانی بررسی کنیم. پیش­بینی می‌شود فصل‌بندی پژوهش به ترتیب زیر باشد:

فصل اول: بررسی محتوا و مضامین اجتماعی و سیاسی در چند نمونه از اشعار

۱. آرمان­خواهی و ناکامی ۲. عدالت­خواهی و مبارزه

فصل دوم: بررسی مضامین فرهنگی و هویتی در برخی از اشعار

١. سنت و مدرنیته ۲. تعلق و بیگانگی 3. یادآوری گذشته و شکوه از دست رفته

فصل سوم: بررسی مضامین انسانی عام در چند شعر

1. تنهایی و انزوا 2. عشق و عاطفه 3. امید و ناامیدی

فصل چهارم: شخصیت­پردازی و توصیف‌ها در چند نمونه شعر

1. شخصیت­های نمادین 2. توصیفات ظاهری و باطنی 3. کنش ها و واکنش­ها

فصل پنجم: بررسی زبان و لحن شاعر در چند نمونه شعر

1. لحن حماسی و روایی 2. نوع واژگان و اصطلاحات 3. نوع تصاویر «زن، کودک، هنرمند و...».

**13. پیشینۀ تحقیق**

**13-1. کتاب**

**خراسانی(سال چاپ) در *فرهنگ ایرانی در آثار مهدی اخوان‌ثالث***، که کتاب مهمی است، به تحلیل کاربرد عناصر فرهنگی ایران در اشعار اخوان‌ثالث می‌پردازد و چگونگی بازتاب آن­ها را شرح می‌دهد.

**مهدی اخوان‌ثالث؛ سیمای شاعری و انسان‌شناسی ادبی** – گردآوری مقالات متعدد

مجموعه‌ای از مقالات علمی درباره شخصیت شاعر و تحلیل انسانی و اجتماعی اشعار او که می‌تواند چارچوب تحلیلی خوبی فراهم کند.

**تاریخ ادبیات معاصر ایران**

کتاب‌های جامع تاریخ ادبیات که بخش‌هایی را به اشعار اخوان‌ثالث اختصاص داده‌اند و زمینه تاریخی و فرهنگی را تشریح می‌کنند.

**13-2. مقاله**

زنده­دل و غیبی(سال چاپ) در «بررسی سبک‌شناختی اشعار مهدی اخوان ‌ثالث» به تحلیل ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی اشعار اخوان ‌ثالث و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این اشعار می‌پردازند.

بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های مهدی اخوان‌ثالث سید احمد پارسا وفرشاد مرادی

این مقاله به تحلیل نمادهای اجتماعی در اشعار اخوان‌ثالث و بازتاب رویدادهای تاریخی دهه سی می‌پردازد.

بررسی و مقایسه اشعار اجتماعی و انسان‌گرایانه مهدی اخوان‌ثالث و ایلیا ابوماضی ناصر محسنی نیا و فایزه رحیمی

این مقاله به مقایسه اشعار اجتماعی و انسان‌گرایانه این دو شاعر معاصر می‌پردازد و زمینه‌های مشترک اجتماعی در اشعار آنان را بررسی می‌کند.

بازتاب رئالیسم در اشعار مهدی اخوان‌ثالث معصومه صادقی

این مقاله به تحلیل مولفه‌های رئالیسم در اشعار اخوان‌ثالث و نگاه اجتماعی و سوسیالیستی او می‌پردازد.

**13-3. پایان‌نامه**

﻿زندی(1393) در *جنبه­های نمایشی اشعار مهدی اخوان ثالث*، به بررسی استفادۀ اخوان ثالث از عناصر نمایشی در اشعارش می­پردازد که می­تواند در تحلیل شخصیت­های انسانی در شعر او مفید باشد.

مقصودی ممبینی(1389) در *زیبایی­شناسی اشعار مهدی اخوان ثالث*، به تحلیل زیبایی­شناسی و ویژگی­های هنری اشعار اخوان ثالث می­پردازد که می­تواند در درک بهتر سیمای انسان ایرانی در آثار او کمک کند.

**14. شرح واژه‌ها و اصطلاحات**

**- محتوا**

﻿چارچوب محتوا یک آفرینش ذهنی حاصل از فرآیند ذهنی شکل گرفته در ذهن خالق محتوا است که به بیان­ها و قالب­های مختلف در آمده و با قرار گرفتن در مهمل­هایی از نوع محصول, سرویس یا دستورالعمل از طریق مجرای متناسب با آن به مخزن مناسب می­رسد (حمیدرضا خدمتگزار۱۳۹۵).

**- مضمون**

معانی عام مضمون در فرهنگ­ها ضمانت شده، ضمانتی، معتبر، بیمه شده، معنی، مفهوم، محتوا، فحوا، مقصود، منظور، مراد مقتضی، مفاد، تأويل، تفسیر و ... (نک: دهخدا، بی­تا: ٦٠٩-٦١٠؛ انوری، 1382: 70-95-۷۰؛ معلوف، ۱۳۷۶ ٤٥٥؛ البستانی، ۱۳۷۷ ۳۲۶-۳۲۷؛ آذرنوش، ۱۳۸۱: ۳۸۷-۳۸۸ و صدری افشار، 1377: ۷۲۸) و معانی اصطلاحی آن نکته­ای لطیف و (باریک» که در «شعر گنجانیده شود» (معین، 1379: ۱۹۱-۱۹۲ یا 1. معنی و مقصودی که از یک گفتار یا نوشتار فهمیده می­شود؛ 2. منظور و مقصود هنرمند در یک اثر هنری؛ 3. نکتۀ باریک و لطیفی که شاعر در شعر خود می­آورد (نک: انوری ۱۳۸۲: ۷۰۹۵) ثبت شده است (خدیجه حاجیان ۱۳۹۵).

**- آرمان­خواهی**

آرمان­خواهی و آرمان­جویی لغتی معادلIdeal است که در یک چارچوبی، ایده­آلیست بودن است؛ به این معنی که مجموعه­ای از نظام باورها، اعتقادات و نظام ارزشی و اخلاقی است که در آن هیچ عیب و ایرادی وجود ندارد؛ یعنی این مجموعه به درستی و با دقت برگزیده شده و ما به نوعی پاسدار و مواظب و مراقب آن هستیم (انتشارات با هدف سید حسن ساداتیان).

**15. نمونة عملی**

**15-1. محتوا و مضامین اجتماعی و سیاسی**

مضمون اجتماعی در شعر به مسائلی اشاره دارد که مربوط به زندگی جمعی، روابط انسانی در جامعه، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، نابرابری‌ها، عدالت اجتماعی و شرایط زیستی مردم است. به عبارتی، مضامین اجتماعی منعکس‌کنندۀ دغدغه‌ها و مسائل روزمرۀ جامعه و تلاش شاعر برای بیان و نقد آن‌هاست. «مضمون اجتماعی عبارت است از بازتاب موضوعات و مسائل مربوط به ساختارهای اجتماعی، رفتارهای جمعی، و مشکلاتی که زندگی گروه‌های مختلف انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (شاملو، احمد. *مقدمه‌ای بر شعر و زبان*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۵).

مضمون سیاسی در شعر به موضوعاتی اشاره دارد که به قدرت، حکومت، سیاست، آزادی، حقوق بشر، عدالت سیاسی و مبارزات اجتماعی مربوط می‌شود. این مضامین معمولاً جنبۀ انتقادی دارند و هدف آن‌ها آگاه‌سازی، اعتراض و تغییر وضعیت سیاسی است. «مضمون سیاسی در شعر، بیان کنندۀ نگرش‌های شاعر نسبت به قدرت و سیاست، تأثیرات آن بر جامعه و مردم و تلاش برای بیان حقایق سیاسی و اجتماعی است» (پروین کاشانی، *نقد شعر معاصر ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰).

**- مضمون اجتماعی:** مسائل و مشکلات جامعه، نابرابری، عدالت اجتماعی، زندگی روزمره مردم.

**- مضمون سیاسی:** مسایل قدرت، حکومت، آزادی، حقوق بشر، اعتراض و تغییر سیاسی.

یکی از اشعار برجسته و شناخته‌شدۀ مهدی اخوان ثالث با مضمون سیاسی و اجتماعی، شعر **«زمستان»** است که نه تنها یکی از معروف‌ترین آثار اخوان ‌ثالث است، نمادی از فضای سیاسی و اجتماعی ایران در دهه‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز به شمار می‌رود.

**- بخشی از شعر «زمستان»:**

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت

سرها در گریبان است

کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک و لغزان است» (ارجاع دهید).

شعر «زمستان» تصویری از یک جامعۀ تحت فشار شدید سیاسی ارائه می‌دهد. زمستان نماد سرما، خشکی، سکوت و تاریکی است؛ یعنی فضایی که در آن آزادی بیان وجود ندارد و مردم از ترس، فشار و سرکوب قادر به سخن گفتن یا اعتراض نیستند. در دوره‌ای که اخوان این شعر را سرود (دهۀ ۳۰ شمسی، بعد از کودتای ۲۸ مرداد)، فضای سیاسی ایران به شدت بسته و سرکوبگر بود. شعر به‌خوبی بازتاب‌دهندۀ این وضعیت است.

**15-1-1. آرمان خواهی و ناکامی**

زمستان در این شعر نه تنها به معنای سرما و تاریکی، نمادی از یأس و انجماد روحی نیز است. مردم گرفتار بی‌اعتمادی، بی‌تحرکی و فقدان امید شده‌اند. این حس یأس به دلیل سرکوب‌های مکرر، نقض حقوق سیاسی، فساد و بی‌عدالتی در جامعه شکل گرفته است. اخوان ثالث، از جمله شاعران آرمان‌خواه نسل خود بود؛ نسلی که در پی عدالت، آزادی، برابری و رهایی مردم از سلطه و استبداد بود. در شعر زمستان، اگرچه مستقیم از آرمان‌ها سخن نمی‌گوید، اما **درد فقدان آرمان‌ها** در زبان استعاری شعر موج می‌زند. حسرت یک دوران بهتر، یا دست‌ کم رؤیای رسیدن به آن، در لایه‌های زیرین شعر حضور دارد.

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت»، یعنی حتی ساده‌ترین ارتباط انسانی از بین رفته؛ این نشانه‌ای از فروپاشی ارزش‌هایی ا‌ست که جامعه‌ی آرمان‌گرا برای آن‌ها تلاش می‌کرده: **همدلی، آزادی، گفت‌وگو، پیوند اجتماعی.** در واقع، اخوان با نشان دادن آن‌چه از بین رفته، ما را به یاد آن‌چه باید باشد، می‌اندازد.

**همه‌چیز در سکوت و یخ‌زدگی فرو رفته است.**

مردم سر در گریبان‌اند؛ این نماد شکستی ا‌ست که آرمان‌ها و آرمان‌خواهان خورده‌اند.

**هیچ نشانی از گرما، حرکت یا زندگی نیست.**

زمستان این‌جا نماد شکست است؛ زمستانی که پس از یک آرمان‌خواهی پُرشور، اما ناکام آمده است.

«ره تاریک و لغزان است»، یعنی مسیر پیشِ رو نه تنها روشن نیست، خطرناک و نامطمئن هم است. این تصویر از آینده، حاصل همان شکست آرمان‌خواهی ا‌ست که امید به تغییر را به تردید و ترس بدل کرده.

**15-1-2. عدالت­خواهی و مبارزه**

اگرچه شعر فضای سرد و تاریکی را توصیف می‌کند، اما به طور تلویحی، در پس این توصیف ناامیدکننده، دعوتی برای بیداری و تغییر نیز هست. شاعر با ترسیم وضعیت دشوار، به مخاطب یادآوری می‌کند که این سکوت و انجماد طبیعی نیست و باید برای تغییر تلاش کرد.

در این شعر، زمستان تنها یک فصل طبیعی نیست، نماد وضعیت اجتماعی‌ای ‌نیز است که عدالت در آن از بین رفته:

«سرها در گریبان است...

نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک و لغزان است»

اینجا مردم سر در گریبان فرو برده‌اند؛ جرأت یا امکان نگاه کردن به دوردست‌ها را ندارند. این وضعیت، نشانۀ جامعه‌ای است که در آن:

آزادی بیان سرکوب شده،

عدالت اجتماعی وجود ندارد،

و قدرت‌های حاکم مردم را در ترس و سکوت نگه داشته‌اند

«هوا بس ناجوانمردانه سرد است»، استفاده از واژۀ «ناجوانمردانه» بُعدی اخلاقی و اعتراضی دارد. اخوان نمی‌گوید «هوا سرد است»؛ بلکه آن را «ناجوانمردانه» می‌نامد؛ یعنی ستم‌گرانه و غیر منصفانه.

این زبان نشان می‌دهد که اخوان ساکت نیست؛ او با واژه‌ها مبارزه می‌کند.

در «زمستان»، اخوان نشان می‌دهد که وقتی مردم به سکوت کشانده می‌شوند، مبارزه خاموش می‌شود؛ اما **شعله‌اش زیر خاکستر باقی می‌ماند**. شعر او این شعلۀ پنهان را به تصویر می‌کشد؛ آتشی که زیر لایه‌ای از برف و یخ هنوز هست:

﻿ این بیت­ها نشان می­دهند که اخوان به روشنی می­داند جامعه در تاریکی است؛ اما هم­زمان با تأکید بر «چراغ»، به کنش و روشنایی هم اشاره دارد؛ یعنی به امکان تغییر اگر کسی برخیزد.

«ره تاریک و لغزان است / اگر هم راه باشد / کسی باید چراغی برفروزد...»

**15-2. مضامین فرهنگی و هویتی**

﻿هویت یکی از پیچیده­ترین مفاهیم در حوزۀ علوم انسانی و اجتماعی به شمار می­رود؛ پدیده­ای چندوجهی که از مناظر مختلف، مبانی و معانی گوناگونی را نمایان می­سازد. در یک نگاه کلی می­توان هویت را حاصل دیالکتیک نظام ذهنی و ساختار اجتماعی و فرهنگی قلمداد نمود؛ رویکردی که هویت را در کنار غیریت مورد توجه قرار داده و بدین سان واحد تحلیل خود و دیگری را در حوزۀ هویت برجسته می­سازد؛ اما وقتی از هویت فرهنگی سخن می­گوییم، نسبت هویت با مفاهیم پیچیده­ای چون فرهنگ و ملیت، کلافی در هم تنیده را پدیدار می­سازد که مفهوم هویت را با رویکردهای نظری گوناگون مواجه می­کند (هویت فرهنگی ایرانیان-حسام الدین آشنا۲۰/۵/۱۳۸۹).

**مضامین فرهنگی** در اشعار به مفاهیمی اشاره دارد که نمایانگر باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها، و دیگر عناصری هستند که یک جامعه یا گروه فرهنگی را تشکیل می‌دهند. این مضامین معمولاً بازتاب‌دهندۀ زندگی اجتماعی، تاریخ، و مناسبات فرهنگی مردم است و از طریق زبان، تصویرسازی، و نمادهای فرهنگی در شعر بیان می‌شود.

از سوی دیگر، **مضامین هویتی** در اشعار، مرتبط با ابعاد مختلف هویت فردی یا جمعی شاعر یا موضوع شعر است. این مضامین شامل مسائل مربوط به احساس تعلق، خودشناسی، معنای وجود، و ارتباط با گروه‌های اجتماعی یا قومی می‌شوند. مضامین هویتی می‌توانند بیانگر پیوند شاعر با تاریخ، فرهنگ، یا حتی دغدغه‌های معاصر هویتی باشند.

**شعر «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم»**

**متن بخشی از شعر:**

﻿«تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم

تو را ای گرانمایه میراث خورشید

تو را ای دلیران دلیرانه یاد آر

تو را ای همیشه سرافراز، ایران!»

**15-2-1. یادآوری گذشته و شکوه از دست رفته**

در این شعر، اخوان ثالث **با شور و احساس میهن‌پرستی** سخن می‌گوید. شعر یکسره بیان **هویت ایرانی،** **افتخار به تاریخ و فرهنگ ملی**و پیوند عاطفی عمیق شاعر با سرزمین مادری است. عبارت‌هایی مانند «کهن بوم و بر» و «میراث خورشید» به تاریخ و تمدن ایران اشاره دارند.

در این شعر، اخوان با نگاهی به گذشته، سعی در احیای روحیۀ ملی دارد. او با یادآوری دلیران و میراث فرهنگی ایران، مخاطب را به بازگشت به هویت اصیل ایرانی فرامی‌خواند. این نوع نگاه به گذشته، در ادبیات معاصر ایران، راهی برای مقابله با **گسست فرهنگی و بحران مدرنیتۀ وارداتی ا**ست.

رضایی و شریفی (۱۳۹۵) بر این باورند که «اخوان در قاصدک، آرزوی رهایی را در قالب نمادهای طبیعی به تصویر می‌کشد، اما فضای اختناق، هویت اجتماعی و امید را به انجماد می‌کشاند» (۱۳۷).

اخوان با یادآوری گذشتۀ پرافتخار، پیوندی عاطفی و هویتی میان فرد ایرانی و تاریخ ملی برقرار می‌سازد و از دل این پیوند، روحیۀ فرهنگی را احیا می‌کند.

**15-3. مضامین انسانی عام**

مضامین انسانی عام در بررسی اشعار، موضوعات یا مفاهیمی هستند که به جنبه‌های بنیادی و مشترک تجربیات انسانی می‌پردازند و در فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف تکرار می‌شوند. این مضامین، اغلب بیانگر احساسات، ارزش‌ها، و مفاهیمی مانند عشق، مرگ، آزادی، عدالت، رنج، امید، تنهایی، طبیعت، و انسانیت‌اند که در آثار ادبی، به­ویژه شعر، به شکلی جهان‌شمول دیده می‌شوند.

**15-3-1. امید و ناامیدی**

امید در شعر به احساس انتظار و اعتماد به بهتر شدن وضعیت، آیندۀ روشن و رسیدن به آرزوها اشاره دارد. شاعران وقتی از امید می‌گویند، معمولاً تمایل دارند روحیۀ مثبت، انگیزه، و نور در دل تاریکی را به تصویر بکشند. امید می‌تواند نمادی از زندگی، تجدید نیرو، و پیروزی بر مشکلات باشد. در مقابل، ناامیدی در شعر به احساس از دست دادن امید، یأس، و فقدان انگیزه برای ادامۀ زندگی یا رسیدن به هدف اشاره دارد. در شعر، ناامیدی معمولاً با حس شکست، دل­شکستگی، تاریکی درون، و گاهی بی‌معنایی زندگی همراه است. شاعرانی که از ناامیدی می‌گویند، اغلب دردها، زخم‌های روحی، و دشواری‌های زندگی را به تصویر می‌کشند.

**شعر «قاصدک»**

**متن بخشی از شعر:**

«قاصدک! هان، چه خبر آوردی؟

از کجا؟ از که خبر آوردی؟

خوش­خبر باشی، اما،‌ اما

گرد بام و در من

بی‌ثمر می‌گردی...»

در این شعر، اخوان ثالث با خطاب قرار دادن «قاصدک»، نمادی از امید و پیام‌آور را به تصویر می‌کشد؛ اما در عین حال با نومیدی می‌گوید که این پیام‌رسان **بی‌ثمر و بی‌اثر** است. این تضاد میان **امید به رهایی** و **واقعیت تلخ رکود و بن‌بست**، بازتابی از بحران هویتی انسان ایرانی در دوران پس از شکست‌های سیاسی و اجتماعی است.

«قاصدک» نمادی است از پیام و آزادی؛ اما در شعر اخوان، این قاصدک نمی‌تواند پیام‌آور شادی و آزادی باشد. این نماد در تقابل با فرهنگ سانسور و اختناق است. اخوان با زبانی **استعاری و رمزگونه**، وضعیت **سرکوب فرهنگی و سانسور** را بازتاب می‌دهد، بی‌آن­که مستقیماً وارد سیاست شود.

**16. کتابنامه**

بازتاب تحولات سیاسی جامعه در شعر حماسی اخوان ثالث (مورد مطالعه: شعر زمستان ) (مجتبی عطارزاده ۱۳۹۶)

ایران و هویت ملی در اندیشه مهدی اخوان ثالث (یوسف عالی عباس آباد ۱۳۸۸)

انسان ایرانی، سیاست و آینده شناسی ( دکتر محمد رضا تاجیک۱۳۸۵)

متن کامل ده کتاب مهدی اخوان ثالث(م.امید)تهران نشر زمستان ۱۳۹۴جلد ۱و۲

-روشنگری پارادوکس مفهوم سیما از منظرعارفان و نظریه پردازان(مژگان اسماعیلی،بهنام پدرام ومحمد حسن طالبیان ۱۳۹۹)

آشنایی با نقد ادبی عبدالحسین زرین کوب(۱۳۶۵)

ویکی پدیا مهدی اخوان ثالث

حالات و مقامات م.امید(محمد رضا شفیعی کدکنی نشر سخن۱۳۹۰)

بررسی سبک شناختی اشعار مهدی اخوان ثالث ( میهن زنده دل،سید محمود رضا غیبی۱۳۹۹)

شاملو، احمد. *مقدمه‌ای بر شعر و زبان*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۵)

(پروین کاشانی، *نقد شعر معاصر ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰)

هویت فرهنگی ایرانیان از رویکرد های نظری تا مولفه های بنیادی(حسام الدین آشنا /محمدرضا روحانی۱۳۸۹)

درآمدی برمعرفت شناسی( مرتضی رضایی /احمد حسین شریفی ۱۳۹۵)

﻿ارائه چارچوبی مفهومی برای تعریف عملیاتی از محتوا( خدمتگذار حمیدرضا /حنفی زاده پیام /علی پورحافظی مهدی ۱۳۹۵ )

تاملی زبانی در مضمون وشگرد های مضمون سازی در شعر فارسی (خدیجه حاجیان ۱۳۹۵)

انتشارات با هدف (سید حسن ساداتیان ۱۴۰۱)

**17. تأییدات**

1-17. استاد راهنما: نام خانوادگی: نام: امضاء و تاریخ:

2-17. استاد مشاور: نام خانوادگی: نام: امضاء و تاریخ:

3-17. استاد مشاور: نام خانوادگی: نام: امضاء و تاریخ:

4-17. طرح پیشنهاد تحقیق خانم/ آقای در صفحه در تاریخ

به تصویب گروه رسید.

امضاء مدیر گروه

5-17. طرح تحقیق پایان‌نامۀ خانم/ آقای رشتۀ گروه

در تاریخ پس از بررسی به تصویب شورای تحصیلات تکمیلی رسید نرسید و برای تجدید نظر اصلاحی به دانشجو عودت داده می‌شود.

امضای معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده یا رئیس ادارۀ آموزش دانشکده:

6-17. اقدامات ضروری برای نهایی شدن مصوبه: اقدام خاصی لازم نیست 🗌

اقدامات زیر باید انجام شود🗌

انجام اصلاحات و رفع کمبودهای زیر:

الف. با تأئید استاد و راهنما ومشاوران🗌

ب. با تأئید استاد راهنما، مشاوران و شورای گروه 🗌

پ. با تأیید استاد راهنما، مشاوران، شورای گروه و شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده 🗌

**18. تعهد دانشجو**

با تصویب این پیشنهاد اینجانب دانشجوی رشتۀ زبان و ادبیات فارسی، گرایش: ادبیات محض، ورودی 97 متعهد به انجام موارد زیر هستم:

1. تهیه و تجلید پایان‌نامه در چارچوب مقررات، ضوابط و دستورالعمل‌ها (مانند رعایت آیین‌نامۀ عدم استنساخ و اقتباس غیر مجاز از کتاب‌ها، مطبوعات و دیگر شکل‌های مواد علمی اینترنت و امثال آن، ذکر مآخذ و پانویس‌ها، رنگ سبز یشمی ساده جلد و نظایر آن‌ها).

2. تقدیم گزارش پیشرفت کار پایان‌نامه در هر ماه به استادان راهنما و مشاور.

3. عندالزوم توافق با استاد راهنمایی دیگر، در صورت اهمال در ارائۀ گزارش و اعلام انصراف استاد فعلی از ادامۀ همراهی اینجانب.

4. انجام هر گونه اصلاحات طبق نظر استاد راهنما و مشاور.

5. دفاع از پایان‌نامه به طور شایسته(همراه با پاورپوینت و تمرین قبلی) در زمان مقرر با توجه به حداکثر دو سال دورۀ کارشناسی ارشد.

6. تنظیم حداقل یک مقالۀ مستخرج از پایان‌نامه با عناوین استادان راهنما و مشاور(با نظر استاد راهنما).

7. تقدیم پایان‌نامۀ اصلاح و تکمیل شده با چکیدۀ فارسی و انگلیسی به مراجع حداکثر 45 روز پس از تاریخ دفاع برای تسویه‌حساب.

8. ضمناً متعهد می‌شوم که پایان‌نامۀ اینجانب تکراری نیست و رعایت دقت و امانت را در این زمینه اعلام می‌دارم.

9. هرگونه عواقب قانونی و اداری ناشی از عدم رعایت موارد فوق بدون حق اعتراض متوجه اینجانب است./

تاریخ تکمیل: امضای دانشجو: